

مرجان اشرفی زاده به «ایران» از سرنوشت «آبجی» و پیشنهاد این فیلم گفته است

کسی دیکته نکرده که نگاه امیدوارانه داشته باشم



حامد قریب خبرنگار

فیلم «آبجی» یکی از تولیدات سینمای ایران در سال ۹۴ بود که این روزها با گذشت ۶ سال فرصت اکران در سینماهای هنر و تجربه نصیبش شده است. این اثر به دلیل حواشی ناخواسته‌ای، از دیده شدن در جشنواره فیلم فجر سال ۹۴ بازمی ماند و همین اتفاق آغازی برای ناکامی اکران در سینماهای ایران است. اکنون پس از موفقیت‌هایی که در جشنواره‌های جهانی کسب کرده، فرصتی برای اکران در سینماهای ایران پیدا کرده است. «آبجی» روایتی از زندگی دختری با توانایی‌هایی از جنس دیگر است که سعی دارد داستان متفاوتی پیش روی مخاطبان بگذارد. پیرامون موضوع فیلم و چالش‌هایی که برای اکران آن در سینمای ایران وجود داشته، با مرجان اشرفی زاده که نویسنده‌ی و کارگردانی فیلم «آبجی» را برعهده داشته است، به گفت‌وگو پرداختیم.

■ اولین نمایش فیلم آجبی در جشنواره جهانی فیلم فجر سال ۹۵ بود اما این فیلم در سال ۱۴۰۰ به اکران در گروه هنر و تجربه می‌رسد. آیا با وجود موفقیت‌های جهانی این فیلم، امکان اکران آن در ایران ۶ سال مهیا نبود؟ چه اتفاقی سبب شد تا این تأخیر در اکران فیلم رخ بدهد؟

فیلم آجبی محصول سال ۹۴ است که ابتدا قرار بود در جشنواره ملی فیلم فجر به نمایش دربیاید، منتهای با اینکه در صورت جلسه هیأت انتخاب گفته شده بود که فیلم «آبجی» و فیلم دیگری برای بخش نگاه نو انتخاب شده‌اند، فیلم هرگز در آن

جشنواره نمایش داده نشد و به دلیل حواشی پیش آمده از دیده شدن بازماند. بنابراین باتوجه به تأثیری که جشنواره فجر روی اکران فیلم‌ها دارد، این اتفاق شروع ناکامی‌هایی برای فیلم «آبجی» شد. البته فیلم در جشنواره بین‌الملل فجر نمایش داده شد و بسیاری با دیدن آن، می‌پرسیدند چرا این فیلم در جشنواره ملی نبوده است. بعد از آن ماجشنواره‌های خارجی داشتیم که فیلم در آنها دیده شد و در برخی موارد مورد استقبال قرار گرفت و جوایزی را نیز کسب کرد. اما برای اکران فیلم‌های فرهنگی از این جنس، در چرخه اکران سینمای ما، حتی پیش از کرونا نیز مشکلات بسیاری وجود داشت. با این همه، آقای محمد حسین قاسمی (تهیه‌کننده) و پخش‌کننده فیلم که یکی دیوار هم عوض شد، به‌دنبال زمان مناسبی برای اکران می‌گشتند. مطمئناً که این نگاه وجود داشت که فیلم اکران خوبی شود و بازخورد‌های خوبی بگیرد. به این ترتیب خودمان مدام اکران را به تأخیر می‌انداختیم؛ چراکه در میان حجم فیلم‌هایی که برای نوروز، پاییز و عید فطر اکران می‌شدند، همیشه فیلم‌هایی وجود داشتند که یا به خاطر اقبال جشنواره‌ای‌شان یا به دلیل اینکه اساساً فیلم‌های پرفروشی بودند، در اولویت قرار می‌گرفتند. این روند ادامه پیدا کرد و یکی دو مرتبه ما تا نزدیک اکران رقتیم ولی به این صلاحید که یا ممکن است فیلم در این شیوه از اکران و کنار آن فیلم‌ها بسوزد، عقب می‌افتاد.

■ چه زمانی تصمیم قطعی گرفتید فیلم را در گروه هنر و تجربه؟ اکران کنید؟

سال ۹۸ تصمیم گرفتیم که فیلم را در گروه هنر و تجربه اکران کنیم و حتی صحبت‌هایی برای قرار گرفتن فیلم برای اکران در سینمای سرگروه انجام شد. یکی دو ماه برای مهیا شدن شرایط و فرصت مناسب اکران منتظر ماندیم و قرار بود اواخر پاییز و زمستان ۹۸ فیلم اکران شود ولی با ماجرای پاندمی کرونا مواجه شدیم و اساساً امید ما به اکران در آن شرایط از بین رفت. بعد از فضایه شیوع کرونا، وضعیت برای همه بدتر هم شد. به صورتی که امسال، بعد از پیگیری‌های زیادی

دیده شوند این گم شدگان بی‌گناه

معصومه قاسمی پور

بازیگر

... سهیم می شوم بی تابی‌های مان را ... دردهای مان را و سوآلات و یافته‌های مان را ، و شورمان را با دیگران ... که این بارعظیم زیستن سُکِ تر شود برایمان فیلم «آبجی» بعد از شش سال اکران شد تا درد عظیم «بودن» این روح‌های بی گناه گم شده، با دیگریان تقسیم شود، شاید چشمی دست اندرکار ببیند و کاری کند و قدیمی بردارد ...، یا مهم تر از همه ... «قلبی» بلرزد و همراه تر شود با این فرشتگان بی گناه معصوم . نیت پدید آوردگان اعم از نویسندگان و کارگردان و سایر عوامل محترم فیلم ، که من هم سهم بسیار کوچکی داشتم ، خیر بود ... و باشد که این خیر ... این خوبی ...این شور ...این عشق ... بر دل صاحب نظران هم بنشیند . و ... ای کاش که دیگر جان‌های شوریده تمامام مان هم ثبت شوند و هم دیده شوند این گم شدگان بی گناه تا همیشه ...

... همیشه ...

که نمی‌دانیم در آینده چه خواهد شد. اکنون برای

همه این پرسش مطرح است که باتوجه به شرایط

کنونی، آیا مردم باز هم به سینماها می‌آیند؟

مساله اقتصادی موضوع مورد بحث دیگری است.

چراکه اکنون این پرسش مطرح است که باتوجه

به وضعیت اقتصادی مردم و فعالیت موازی

وی‌اودی‌ها که در مقایسه با سینما، صرفه اقتصادی

بیشتری برای مردم دارد، آیا سینما می‌تواند در

سید کالای بسیاری از آنها قرار گیرد؟ بنابراین فکر

می‌کنم، همان‌طور که تمام دنیا همواره در حال

تلاش هستند تا فیلمی را تولید کنند که برای پرده

سینما باشد، واقعاً باید ما نیز به همان صورت

عمل کنیم. در دنیا اساساً فعالین این حوزه مدام

در حال اضافه کردن گزینه‌ها و آپشن‌هایی هستند،

برای اینکه اکران را رزنده و چراغ سینما را به‌عنوان

یک رسانه روشن نگه دارند. ما هم باید به این

موضوع فکر کنیم. به نظر من ما کار را رها کردیم و

متأسفانه الان با یک آشفتگی در این بازار مواجه

هستیم.

■ نتیجه‌اندازه داستان این اثر را برای جامعه امروز

ایران مناسب می‌دانید؟ این تأخیر ۶ ساله تاچه

اندازه در مواجهه مخاطب با فیلم «آبجی» تأثیرگذار

بوده است؟

خوشبختانه فیلم تازگی خودش را حفظ کرده و

باتوجه به اینکه یک موضوع انسانی و جهان شمول

دارد که در هر خانواده‌ای می‌تواند رخ دهد، واقعاً به

آن معنا زمان‌مند و مکان‌مند نیست. از این جهت

واقعاً فیلم هنوز تازه است و وقتی آن را روی پرده

می‌بیند، احساس نمی‌کند که زمان گذشته است.

شاید در یکی دو جمله از فیلم یک فکت زمانی

داده می‌شود که مخاطب متوجه می‌شود که زمان

حال نیست. آن هم جایی است که به قیمت رهن

خانه و رنگ مو اشاره می‌شود که در این دو قسمت،

ما به طور خاص متوجه اقتصاد پرنوسان خودمان

می‌شویم که مدام در حال تغییر است. ولی جدا

از این دو قسمت، خوشبختانه به لحاظ ساختار،

صحنه‌پردازی، فیلم‌برداری، رنگ و نور، قصه و

بازی‌های فیلم، همگی تازگی خودشان را دارند و

از این بابت خدا را شکر می‌کنم. شاید اگر فیلمی

رنج‌های پنهان

کتاب آدینه

بازیگر

جای تقدیر بسیار دارد که خانم مرجان اشرفی زاده کارگردان جوان فیلم «آبجی» موضوعات

مد روز و ملتهب فیلمسازی این دوران را رها می‌کند و به جای پرداختن به معضلات بسیار

آشکار و پرتصویر مسائل اجتماعی و خانوادگی از قبیل مواد مخدر، خشونت، زردی،

قتل، بیکاری و نظایر آنها سراغ گروهی از اجتماع و خانواده می‌رود که گویی رنج‌شان

پنهان است و جز خودشان گریبان دیگری را نمی‌گیرد. زمانی که ایشان فیلم‌نامه

«آبجی» را به من پیشنهاد کردند، هیچ نمی‌دانستند که من در

زندگی واقعی‌ام آجبی‌ای ای دارم نازنین. فیلم‌نامه را خواندم،

مشاققانه پذیرفتم، در باره‌اش حرف

زدیم، تمرین

کردیم، روزهای

خیلی خوبی را در

زمان فیلمبرداری کنار

هم گذراندیم و در آخر اینکه

۶ سال به انتظار اکرانش نشستیم.

پیشنهاد می‌کنم به خوانندگان گرامی که

حتماً به دیدن این فیلم پراحساس و گیرا بروند.

■ امیدوار هستید که ساخته شدن چنین فیلم‌هایی

تأثیری بر وضعیت آنها داشته باشد؟

به‌نظرم این مسأله بسیار مهمی است که جای

حرف دارد و واقعاً در جوامع پشرفته به این سمت

می‌روند. در جامعه ما نیز حتماً تلاش‌های خوبی

شده است اما کافی نیست. مطمئناً خانواده‌های

بسیاری هستند که با چنین معضلاتی مواجه

هستند. امیدوارم صحبت درباره این موضوع

به مسئولان برای فکر کردن به این مسأله و حل

مشکلات این افراد کمک شود. به صورتی که

چنین افرادی حمایت شوند و به‌عنوان نیروهایی

که می‌توانند برای جامعه خود مفید باشند از آنها

استفاده شود. نباید وضعیت به صورتی باشد که

خانواده احساس کند یک موجودی روی دستشان

مانده و نمی‌داند با او باید چه کند. چون واقعاً این

طور نیست. چراکه بسیاری از این عزیزان می‌توانند

در جامعه خود نقش‌های مفیدی ایفا کنند.

■ باتوجه به همه تلخی‌هایی که در داستان فیلم

«آبجی» شاهدیم که در زندگی خانواده‌های ایرانی

نیز یافت می‌شود، پایان فیلم امیدوارکننده است؛

اگر امروز قصد ساخت فیلم را داشتید باز هم با این

چنین افرادی حمایت شوند

و به‌عنوان نیروهایی که

می‌توانند برای جامعه خود

مفید باشند از آنها استفاده

شود. نباید وضعیت به صورتی

باشد که خانواده احساس

کنند یک موجودی روی

دستشان مانده و نمی‌دانند

با او باید چه کنند. چون واقعاً

این طور نیست. چراکه بسیاری

از این عزیزان می‌توانند در

جامعه خود نقش‌های مفیدی

ایفا کنند

نگاه امیدوارکننده فیلم را به پایان می‌رساندید؟

من انسان امیدواری هستم و به معجزه‌های کوچکی

که در زندگی همه ما رخ می‌دهد ایمان دارم و

نمی‌خواستم این را از فیلمم دریغ کنم. موقعیت

آجبی می‌توانست در قصه بسیار ترازیک‌تر از چیزی

که هست روایت شود؛ می‌توانست در طبقه‌ای از

جامعه باشد که شرایط بسیار سخت‌تر است و می‌شد

با بسیاری از تلخی‌ها و سیاهی‌های دیگری که وجود

دارد آن را دید، اما من به‌دنبال این نبودم و نیستم.

حتی اگر در آن شرایط قصه را روایت می‌کردم باز

هم به‌دنبال رگ‌های امیدی می‌گشتم که در زندگی

خودم دنبالش بوده‌ام. احساس می‌کنم اگر نگاهی

را که خودم در زندگی دارم و من واقعی هست از

مخاطبانم دریغ کنم، به خودم و مخاطبانم خیانت

کرده‌ام. کسی به من دیکته نکرده که در این فیلم

نگاه امیدوارانه داشته باشم؛ این موضوع از دل من

بر می‌آید. اگر الان هم این فیلم را می‌ساختم یا

هر کاری بخواهم بسازم فکر می‌کنم که به نوعی

این امیدواری در آن هست. گرچه شاید در این

مدت با تلخی‌هایی مواجه شدم که بر مبنای آن است

قصه‌هایی نوشتم که ممکن است در آن قصه‌ها

با موقعیت‌هایی تلخ‌تر مواجه شوم یا احساس

کردم که خوش‌بینی‌هایم بیش از حد بوده است.

ولی همیشه در نه ذهن من یک چیزی می‌گوید این

پایان قصه نیست و چیزهای خوب و امیدوارکننده‌ای

در انتظارت هم ما خواهد بود. فقط کافی است که

منتظرش باشیم و آن معجزه‌های کوچکی را که باید

بینیم و نشانه‌هایش را دریافت کنیم و ادامه دهیم.

امیدوارم که برای همه روشنی و سبیدی باشد، برای

اینکه فقط به این صورت می‌توان زندگی را که قطعاً

بر از سختی‌ها و دشواری‌هاست تحمل کرد و ادامه

داد. این باور، حتماً به ما کمک می‌کند که معجزه‌ها

بیشتر رخ دهند و ما آنها را بیشتر ببینیم.

■ اگر نکته‌ای هست که در سوآلات من نبوده ممنون

می‌شوم خودتان بیان کنید؟

امیدوارم مردم فیلم را در سینما تنها نگذارند.

مطمئنم از دیدن فیلم رضایت پیدا کرده و لذت

خواهند برد. امیدوارم اگر فیلم را دوست داشتند،

آن را به دیگران هم پیشنهاد دهند.